

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۷.۱۰.۰۹

تجاوز امپریالیستی ۷ اکتوبر

و

نیم نگاهی به پیامد های مرگبار آن

امپریالیزم جنایت گستر آمریکا و شرکاء درست به همین تاریخ هشت سال قبل "۰۷.۱۰.۲۰۰۱" به دنبال حادثه المناک یازدهم سپتمبر همان سال، با بهانه دستگیری وبه مجازات رسانیدن آمران آن حرکت که هیچ گاهی معلوم نشد فرماندهان اصلی آن چه کسان ویا نهاد هائی بوده اند؛ یورش سبعانه خویش را بر میهن در خون نپیده ما آغاز نموده از زمین وفضا در اندک زمانی بر کوهواره جنایات سوسیال امپریالیزم روس کوه هائی جدیدی را از جنایت با قساوت امپریالیستی افزود.

حمله که از جانبی درجو زیر شوک حادثه سپتمبر وحمايت برخاسته از ترس اکثریت کشورها با عریده کشی های جلاد کاخ سفید انجام می یافت واز جانب دیگر تمهیدات غدارانه بیش از دو دهه امپریالیزم را از پرورش وایجاد اسلام سیاسی اعم از مجاهد وطالب گرفته تا به قدرت رسانیدن آنها که با امواج نفرت مردم مواجه بود، در قفاء داشت، از لحاظ جنگی چنان نتایج از قبل پیش بینی شده را با آورد، که آرزو های نهفته را پایانی نماند. چنانچه برخی ادعا کردند که افغانستان و به خصوص کابل "دوبی" جدید خواهد گردید، برخی ها از آن هم پا بیشتر گذاشته ادعا نمودند که گویا افغانستان در آینده قریب به چنان بهشتی از وفور نعم مادی مبدل خواهد گردید، که بهشت موعود نتواند با آن رقابت نماید، برخی دیگر آنرا به مدینه فاضله دموکراسی تشبیه نموده آنرا نمونه ای معرفی داشتند که می بایست برای تمام کشور های به اصطلاح اسلامی و عقب نگهداشته شده از آن صورت برداری نموده، ملل جهان را نیز با آن دست آورد ها سهیم ساخت.

بدون آنکه خود را وارد این بحث بسازم آیا آنهائیکه چنین مدیحه سرائی می نمودند مأمور بودند که اجرای وظیفه می کردند ویا آنانی بودند که با تأسف دیر تولد شده بودند، می بینیم که ره آورد هشت ساله آن تجاوز در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، انسان در بند افغان، خلقهای منطقه و جهان چه بوده است و چه مقدار از آن وعده ها تحقق یافته وچه

مقدار دیگر به عکس خود مبدل شده است. نا گفته پیداست که این ارزیابی مختصر به هیچ صورت عمق فاجعه را با پهنای لازم آن نمی تواند باز تاب دهد بلکه تلاشیست آگاهانه تا نکات مورد ارزیابی را برای یک کار تحقیقی مشخص نماید. امید است آنهائیکه بیشتر از این قلم توانائی و وقت دارند بدان پرداخته بر این قلم نیز منت بگذارند:

اوضاع داخلی:

اگر به خاطر خواننده گرامی مانده باشد، بوش جنایتکار شب فردای تجاوز گستاخانه ارتش امریکا و شرکایش بر افغانستان نکات آتی را از اهداف اولیه و اجتناب نا پذیر آن تجاوز اعلام داشت:

۱- از بین برداشتن ونابودی کامل تروریزم بین المللی با به مجازات رسانیدن القاعده و طالب در سطح منطقه و جهان.

۲- ختم جنگ ، آوردن امنیت و ایجاد یک فضای حیاتی در افغانستان

۳- آوردن و تطبیق دموکراسی و اعاده حقوق بشر در افغانستان جنگ زده با تطبیق عدالت انتقالی

۴- گسستن بند های اسارت چندین قرنۀ زن افغان که بیشترین رنج را در درازنای تاریخ به ویژه زمان حاکمیت اسلام سیاسی اعم از مجاهد و طالب کشیده است.

۵- اعمار مجدد افغانستان و آوردن رفاه اقتصادی

۶- منع کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر

۷- ایجاد یک اداره سالم و مطابق خواست مردم افغانستان

مواد فوق نکات برجسته ای بود از جمع وعده هائیکه سردمدار کاخ سفید وبه پیروی از وی سایر زمامداران غربی از طریق رسانه های استعماری از بام تا شام به خورد مردم داده ، شبه روشنفکران افغانی را نیز به دنبال خویش می کشانید.

میرهن است در اینجا وقتی خواسته باشیم عملکرد تجاوز کارانه اشغالگران را مورد ارزیابی قرار دهیم، آنها را به خاطر کار هائیکه نکرده اند، مورد باز خواست قرار نمی دهیم بلکه به خاطر کار هائیکه انجام داده اند، می باید پرسش به عمل آورد. از آن گذشته بحث روی عملکرد نیروهای اشغالگر به هیچ صورت توافق با ادعا های واهی آنها مبنی بر نجات افغانستان از چنگال تروریزم نبوده از قبل پیداست که آنها به منظور منقاد ساختن کشور ما و غارت خلق آن بدین جالشگر کشیده، هیچ نوع انتظاری به غیر از آنچه در عمل پیاده کرده اند، نباید ونمی توان از اشغالگران انتظار داشت:

۱- در ارتباط با مبارزه علیه تروریزم بین المللی و نابودی آنها باید گفت، از انجائیکه امپریالیزم حضور خود را در افغانستان بدان بهانه واهی ونخ نما نیازمند می باشد، از همان آغاز به منظور مبارزه ونابودی القاعده و طالب در گیر نگردیده بلکه بسیار آگاهانه با تطبیق یک ستراتیژی "تار و مار ساختن" ویا "پراکنده" ساختن آنها بقای آنها را برای دراز مدت تضمین نمود.. امپریالیزم بدان وسیله از یک طرف بهانه حضور خویش را در افغانستان حفظ نمود واز جانب دیگر آنها را برای روز مبادا دور از تیر رس مردم افغانستان نگهداشت تا در صورت لزوم ورشد جنبش انقلابی، کاری را که خود قادر نیست انجام دهد به وسیله آن از گور برخاستگان تاریخ به اتمام برساند.

سلامت آنها را تضمین نمود تا از یک طرف به شدت از رشد جنبش انقلابی به وسیله آنها در روستا های افغانستان جلوگیری نماید واز جانب دیگر حین ضرورت از آنها به مثابه نمایندگان مقاومت شناسائی به عمل آورده باز هم دست آورد های مبارزاتی خلق ما را به صفر ضرب زده سیاه روز حاکمیت استعماری را تداوم بخشد.

بر همین مبناست که ظرف ۸ سال عساکر خارجی، نیروهای اجیر امنیتی و اردوی ضد ملی که تعداد آنها در کل از دوصد هزار نفر تجاوز می کند تا حال قادر نشده اند یک تن از افراد القاعده را در افغانستان دستگیر و به جهانیان به حیث سند حضور القاعده معرفی نمایند. زیرا چنین حرکتی از یک جانب خط حرکتی و سیاست جنگی آنها را نمی سازد و از جانب دیگر القاعده ای در افغانستان وجود ندارد تا آنها با دستگیر نمودن وی ادعای خویش را اثبات نموده بتوانند.

از آن گذشته در عمل همه ما دیدیم که تهاجم گستاخانه "ناتو" بر افغانستان و اشغال این کشور نتنها نقش و نفوذ القاعده را در افغانستان از بین نبرد بلکه نفس اشغال، خوراک حیاتی و لازم را برای احیای مجدد دیو خفته مذهب در منطقه و جهان بیدار نموده، مناطق وسیع تری از منطقه و جهان را به خون و آتش کشانید. چنانچه شواهد زنده آنرا می توان در پاکستان که غرب می خواست از آن به مثابه جزیره ثبات یاد دهانی نماید، و کشور های آسیای میانه و سایر کشور های به اصطلاح اسلامی مشاهده نمود.

"ناتو" و در رأس امپریالیزم جنایت گستر امریکا، خلاف آنچه گفته است از نخستین روز حمله بر افغانستان تا اکنون بیش از صد هزار افغان بی پناه را طی بمباردمان های خویش از بین برده و با بیشمیری تمام در صدد عملی کردن سیاست "زمین های سوخته" در افغانستان می باشد.

۲- در رابطه با امنیت باید گفت که دست آورد تمام پیمان ناتو به مراتب کمتر و بی محتوا تر از امنیت گورستان نیست که "ملا عمر" به وجود آورده بود. در زمان حاکمیت قداره و دار ملا عمر اگر مردم می توانستند، از کران تا افغانستان مسافرت نموده تا حدود زیادی، به غیر از روابط بین المللی خود طالب در منطقه حاکمیت آنها افراد خارجی بدون مجوز حضور در افغانستان به تعداد انگشتان بالغ نمی گردید، امروز مردم به صورت کامل فراموش شده، عساکر اشغالگر برای حفظ خود نیروهای امنیتی با معاش های گزاف استخدام نموده اند. در حالیکه تعداد خارجیانیکه در افغانستان حضور دارند، نه اینکه برای وزارت داخله اداره مستعمراتی معلوم نیست بلکه حاکمیت استعماری خود نیز نمی داند چه تعداد خارجی در افغانستان حضور داشته و به چه امری اشتغال دارند.

زدی، تجاوز به مال مردم، زور گوئی افراد وابسته با اداره مستعمراتی چنان بیداد میکند که دیگر مردم کوچه و بازار هیچ هراس ندارند از اینکه بگویند، سگ طالب از اداره مستعمراتی بهتر بود. طالب با تمام جنایاتی که انجام داد و کشور ما به یک جهنم واقعی میدل ساخت در مقابل اجحاف و ظلمیکه از طرف اداره مستعمراتی و بداران بین المللی آنها بر مردم صورت می گیرد، کم مانده است به فراموشی سپرده شوند.

در تحت حاکمیت استعمار گذشته از آنکه افغانستان در عمل به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم شده در بیش از یازده ولایت جنوب صدای فیر گلوله و هاوان یک لحظه انقطاع نمی پذیرد و روزی نیست که با قتل های عام مانند بالا بلوک و چهاردره جوی خون به راه نیفتد، در ولایت های شمال، سلطه مجدد جنگ سالاران وابسته به شورای نظار که به کمک امپریالیزم بر توسن قدرت سواری می نمایند، هر گونه امنیت اجتماعی و فردی را از جامعه زوده آن مناطق را به واحد های فئودالی جداگانه منقسم نموده اند که در آن یک قانون حاکمیت دارد. و **آنهم نبودن قانون است.**

۳- بدون آنکه سخنی در مورد تطبیق دموکراسی گفته شود و در این فضائیکه اداره مستعمراتی و بداران آنها قادر شده اند معنای جدیدی برای دموکراسی بتراشند که آنهم چیزی نیست مگر دروغ، تقلب، فساد و خود سری؛ در زمینه عدالت انتقالی و اعاده حقوق بشر باید یاد آور شد که در طول تاریخ سیاه شاهان گذشته، هیچ گاهی جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر بدین کثرت در اداره امور ذیدخل و از امنیت کامل برخوردار نبوده اند. از جنایتکاران به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" چون کبیر رنجبر، گلاب زوی، شاهنواز تتی، نور محمد نور، سلیمان

لایق و صد ها و هزاران شکنجه گر، مستنطق و جلاد اعدام آن رژیم گرفته تا سیاف، ربانی، فهیم، قانونی، عبدالله عبدالله، ملا راکتی، خلیلی، محقق و محسنی، همه در پناه حاکمیت استعمار برین چمن که هر لاله آن از خون افغانی آبیاری شده خوش چریده و باز هم به همان جنایات ادامه می دهند.

در کنار سایر دست آورد ها این دست آورد استعمار که جنایتکاران رانده شده را دوباره بر گرده مردم سوار کرده است، به علاوه آنکه از خاطر هیچ افغانی زوده نخواهد شد بلکه به مثابه اعلام جرمی علیه مناسبات استعماری درج کتیبه خار آئین تاریخ نیز خواهد گردید.

۴- آنچه را زنان از این همه وعده ها به دست آورده اند، فکر می کنم روشنتر از آن است که در مورد چیزی نوشت. چه زنان هردم شهید افغانستان به علاوه آنکه از خوان یغمای استعمار چیزی نصیب نگردیدند، همان آزادیهای نسبی را که عرف و احتیاج زمان برایشان قایل شده بود؛ نیز از دست داده با قوانینی چون "احوال شخصیه" برده کامل مرد گردیدند. زن که بدون آنها در چوکات مناسبات طبقاتی، بخشی از مالکیت مرد به شمار می آمد، در دوران حاکمیت استعمار، همان مناسبات عمق و استحکام بیشتر یافته، هر آنکس که اندکی توانمندی دارد، در باستیل خانه اش بیش از چند کنیز را به نام زن به زنجیر کشیده است. از آن گذشته تن فروشی و فحشای برخاسته از فقر و احتیاج چنان بیداد می کند که باز هم در طول تاریخ سابقه نداشته است. این حرکت که کاملاً آگاهانه از طرف استعمار ترغیب گردیده به ترویج سیستماتیک فحشاء می ماند، از چنان گستردگی برخوردار است که به غیر از سایگون تحت حاکمیت امپریالیزم آمریکا با داشتن بیش از صد هزار فاحشه در آن، در هیچ کجای دیگری نمی توان سراغ آن را گرفت.

زن ننتها از حقوق مساوی و آزادیهای دموکراتیک برخوردار نشده بلکه در عمل طناب های اسارت قوانین مذهبی را بر دست و پایش پیچیده اند.

۵- شاید برنامه های اقتصادی اداره مستعمراتی و نیروهای اشغالگر را بتوان مفضلترین بخش ادعا های آنها در رابطه با خدمت به مردم افغانستان معرفی داشت. چه به علاوه آن که بر رؤیت اسناد از اعمار مجدد در هیچ زمینه ای نمی توان صحبتی به عمل آورد، چه نه بند برقی دوباره تعمیر و به کار افتاده و نه هم پل و پلچکی ساخته شده است، نه فابریکه ای تعمیر مجدد گردیده و نه هم از آبادانی پروژه های زراعتی خبری در میان است با در زیر قرض گور کردن افغانستان تا بیش از ۴۰ میلیارد دلار حتما در داخل شهر کابل که به اصطلاح بیشترین توجه نیروهای اشغالگر در آنجا معطوف شده است، مکاتب، سرک ها، عمارات ملکیت دولت و ملکیت مردم در بیشتر از نصف شهر کابل همچنان خرابه باقی مانده بیشتر بخشها اگر اقامت اجباری بی نوایان در آنجا مطرح نباشد، بیشتر به شهر ارواح شباهت دارد تا به شهریکه زمانی محل بود و باش ساکنین آنجا بوده است.

بیکاری و فقر چنان بیداد می کند که حتما خوب ترین مدافعان دولت از کابل به نام شهر گدایان یاد میکنند. در حالیکه کمبود مواد ارتزاقی و گرسنگی میلیونها انسان را به مرگ تهدید می نماید مواد اگر پیدا شود به قیمت بالاتر از دوچند بازار بین المللی عرضه می گردد. در حالیکه حد متوسط معاش یک مأمور دولت دولت بین ۲۵۰۰ الی ۳۵۰۰ افغانی در ماه می باشد قیمت یک کیلو گوشت گوسفند بیش از ۲۸۰ افغانی است. به همین سان باید رفت، قیمت نان، کرایه خانه، مصارف دوا و درمان و سایر مایحتاج را دید تا واقف شد که در افغانستان چه بر روزگار مردم می گذرد. این وضع پایتخت است که گفتیم سخت مورد توجه نیروهای اشغالگر می باشد، اینکه در مناطق جنوب که جنگ در آنجا ادامه دارد چه می گذرد میگذاریم برای بعد، فقط محض اطلاع باید گفت که همین سال قبل بود که در جلو چشمان باز اما وجدان های خفته به اصطلاح جامعه مدنی بیش از ۳۰۰ نفر در مناطق مرکزی

افغانستان از اثر سرما و گرسنگی جان باختند، مگر به غیر از روضه خوانی وزیر صحت عامه که خوب این نقش را در نظام آخندی ایران فرا گرفته، از مرده صدا بلند شد، مگر از کس دیگری فریادی برنخاست تا به کمک آن گرسنگان کاری انجام یابد.

خوانندگان عزیز!

من و تو زاده و پرورده یک فرهنگیم، هنوز آن ضرب المثل معروف وطن ما را حتماً به خاطر داری، که گفته بودند: "قبرگشنه را کسی ندیده" امروز باید ببینیم که دیگر آن ضرب المثل اعتبار خود را از دست داده به علاوه آنکه صد ها و هزار ها تن از گرسنگی و فقدان تغذیه سالم مرده و یا در حالت مرگ اند، شاید بتوان چندی بعد آن ضرب المثل را طور دیگری تعبیر نمود، بدان معنی که آنکه از گرسنگی می میرد قبری هم صاحب نخواهد شد.

۶- یکی از وعده های دیگریکه اشغالگران حین تجاوز گستاخانه بر افغانستان به مردم جهان دادند، ریشه کن کردن کشت تریاک و قاچاق مواد مخدر از افغانستان بود. باز هم کاملاً روشن است که این ادعا نیز دروغی بیش نبوده، نیروهای اشغالگر نمی خواستند و نه هم می توانستند جلو تولید و قاچاق مواد مخدر را بگیرند و آنهم روی یک دلیل کاملاً مشخص و روشن. چه امپریالیسم جنایت گستر امریکا و در رأس آن دژخیم کاخ سفید در آن هنگام با اعلام اینکه افغانستان دشمن مدنیت غرب است دست کمک به طرف تمام جناح های سرمایه دراز نموده همانطوریکه سرمایه نظامی، سرمایه نفتی و سرمایه مالی این صدا را لیبیک گفتند، سرمایه به اصطلاح "تفریحی" اعم از تولید، توزیع و قاچاق مواد مخدر، قمار و فحشاء نیز آمادگی و کمک خویش را در زمینه ابراز و از طرف رئیس جمهور وقت در جبهه ضد مردم ما جذب گردید. از آن تاریخ به بعد سرمایه مربوط به دوران مواد مخدر خود را به مثابه شریک کامل نیروهای اشغالگر احساس نموده از حقوق مساوی با دیگر جناح های سرمایه در غارت مردم ما برخوردار می باشد.

روی همین سیاست است که از زمان اشغال افغانستان تا اکنون، افغانستان در تولید و قاچاق مواد مخدر به صورت بیهم قهرمان جهان بوده و بنا به ادعای خود امپریالیستها بیش از ۹۰ فیصد تریاک مورد استفاده در جهان در همین کشور زرع می گردد. نا گفته نماند که این سیاست از طرف اشغالگران امریکائی بار اول نیست که به منصفه اجراء گذاشته می شود، دست دراز امریکائی ها در تطبیق این سیاست از سایگون تا کولمبیا آن چنان آفتابی گردیده که حتا در سطح سنای امریکا نیز مطرح و تمام جهانیان از آن مطلع شده اند.

۷- ایجاد یک اداره سالم و عاری از فساد در افغانستان بود که به وسیله امپریالیسم به منظور فریب خلقهای جهان به خورد مطبوعات داده شد.

از آنجائیکه خود امپریالیستها این ادعای خویش را در مورد اداره مستعمراتی کرزی پس گرفته اند. به علاوه روزی نیست که در مورد حاکمیت بدون چون و چرای فساد اداری، ارتشاء و اختلاس در افغانستان مطلبی به نشر نرسد، از خوانندگان توقع داریم هر گاه هنوز هم فکر می کنند اداره کرزی در مرکز و ولایات یک اداره سالم است، لطف نموده با یک سند اصلی در دست تقاضای مثنای آن را بنماید تا دیده شود سر انجام "گپ به کجا" خواهد کشید. با در نظر داشت نکاتی که در فوق تذکار یافت می توان گفت عملکرد امپریالیسم در افغانستان خود بهترین گواه بر آن است که منظور آنها از حمله بر افغانستان خلاف بهانه های دهن پرکن و شبه روشنفکر خرکن، کمک به مردم افغانستان نبوده بلکه حلقه ایست از یک زنجیر کامل که در نهایت هدف از آن استیلا بر این منطقه استراتژییک کره ارض می باشد.

خلاف آنهائیکه فکر می کنند این ناتوانی اداره مستعمراتی ، فساد و سر درگمی نیروهای اشغالگر است که چنین نتایجی را بار آورده است ، این قلم را عقیده بر آن است که نخست این نتیجه منطقی سیاست های اشغالگران بوده و از ماهیت تأمین منافع خود آنها سرچشمه می گیرد در ثانی آنها چنین وضع موجود را برای ادامه تسلط شان بر افغانستان ضرورت داشته و نمی توانند به غیر از آن دست به کار دیگری بزنند.

ادامه دارد